

قسمت اول

## توسعه از دیدگاه اسلام

حجت الاسلام والمسلمین علی مثبت (فاضل همدانی)  
(مدرس حوزه و دانشگاه)

می آوریم که می گفت:

«اگر بخواهیم آزادگان اروپا را به دین خود بخوانیم لازم است که نخست به آنها بگوییم که ما مسلمان نیستیم. زیرا آنها وضع فعلی ما را نتیجه قرآن می دانند. آری آنان به دنبال قرآن، ملت‌هایی را می بینند که در میان آنها جهل و ذلت و بدبختی ... شیوع یافته و آن وقت است که می گویند:

اگر این کتاب واقعاً مصلح اجتماع بود پیروان آن، آن‌طور که ما می بینیم نبودند. <sup>۱</sup>» سید در عصری زندگی می کرد که دولتهای اروپا بر سر تصاحب سرزمینهای اسلامی به رقابتهای استعماری پرداخته بودند که در این راستا، زمامداران دروغین مسلمان به خاطر خودباختگی و عیاشی، پای بسیاری از قراردادهای ننگین را امضا

تحقیق را دارد که لازم است به بحث و گفتگو نشست لکن آنچه که بیشتر لازم است به آن پرداخت بررسی دیدگاههای اسلام در فرایند توسعه است، چه در بُعد جهان بینی و برداشت از یک جامعه توسعه یافته و چه در روند پیاده کردن طرحهای سازنده از جهت کاربردی و میزان تحقق و شکل گیری آن.

سؤال این است

بهرآستی اگر در اسلام، اصرار بر توسعه در ابعاد مختلف است چرا بعضی از کشورهای اسلامی از این حرکت عقب مانده‌اند؟ اشکال کار و این‌کنندگی در کجاست؟ در محتوای مکتبی و یا در عملکردها و یا عوامل بیرونی و بیگانه‌ها باید جستجو کرد. در اینجا سخنی از متفکر دلسوز، سید جمال‌الدین اسدآبادی به میان

یکی از مباحثی که امروزها در محافل علمی بخصوص در بُعد اقتصاد کلان در قالبهای گوناگون مطرح می شود مسئله توسعه است. این بحث، بیشتر از آن جهت مورد توجه نظریه پردازان کشورهای جهان سوم قرار گرفته که چرا بعد از گذشت دو قرن از انقلاب صنعتی، هنوز بسیاری از کشورها از داشتن حداقل توسعه محروم هستند و چرا بیشترین نمود توسعه در کشورهای غربی است و اساساً آیا آنها تافته جدا بافته‌اند و دیگران سهمی ندارند و اگر چنین نیست زیرساختهای رشد و توسعه چیست؟ و چگونه می توان آنها را به وجود آورد و نگهداشت؟

نیازی به توضیح نیست که این بحث با ابعاد مختلف، بیشترین زمینه‌های بررسی و

می‌کردند که در نتیجه آنچه در این میان وجه‌المصالحه قرار می‌گرفت ملت‌های مسلمان بود.

بعدها که امپریالیزم بین‌المللی تجربه بیشتری یافت با ترندها و روش‌هایی سعی کرد که به‌طور کلی اسلام را از زندگی مردم جدا سازد و اسلام را عامل عقب‌ماندگی و رکود معرفی کند که فقط به فهرست بعضی از این روش‌ها اشاره می‌شود:

۱- سعی در به‌وجود آوردن دولت‌های دست‌نشانده به‌ظاهر اسلامی و تقویت آنان و تشویق به خرید اسلحه‌های غربی جهت به‌کارگیری در راستای منافع استعماری خود که در این رهیافت هم ثمن و هم مثنی در اختیارشان بود به‌گونه‌ای که بدون حضور کارشناسان خارجی آن‌هم در موارد خاص اجازه بهره‌برداری داده نمی‌شد.

۲- شکستن زیربنای اقتصاد سنتی و تشویق به مهاجرت روستاییان به شهرها و هضم شدن در زندگی ماشینی و تشریفاتی و خرد کردن چرخهای سودآور کشاورزی و روی آوردن به صنایع مونتاژ، آن‌هم در حدّ پر کردن خلا توقعات و انتظارات مردم به قیمت از دست دادن استعدادهای درخشان

۳- مبارزه سراسری با هویت فرهنگی و رشد حالت ازخودبیگانگی در مسلمانان و جایگزینی تاریخهای ساختگی به‌جای تاریخ اصیل و جاسازی این باور که مسلمانان دیگر قدرت رقابت را با کشورهای توسعه‌یافته ندارند.

۴- دامن زدن به اختلافات بومی و محلی جهت جلوگیری از سازماندهی و تمرکز یافتن نیروهای بالقوه و بالفعل و هدایت کردن افکار جامعه اسلامی به مسائل پیش‌پاافتاده خطّی، حزبی و قومی

● توسعه عبارت است از ایجاد یک سلسله تحولات مثبت و مداوم و فراگیر در ابعاد مختلف فکری، روحی، اقتصادی و اجتماعی در یک ملت به صورت کشف قوانین لازم که در اثر بکارگیری آن قوانین، جامعه در همه ابعاد علمی، تکنولوژی، افزایش تولید و داشتن آرامش روحی بر دیگر جوامع برتری داشته است.

۵- تقویت مکتب‌های الحادی و مادی و ایجاد شبهات فکری جهت سست کردن باورهای بنیادین دینی

۶- سوق دادن جامعه اسلامی به رفاه‌زدگی و تجمل‌گرایی و اسراف و لابلایگری تا دیگر هیچ‌گونه زمینه تفکر و نوآوری فراهم نشود.

۷- تشویق به بهره‌برداری از کالاهای الگوهای وارداتی غربی و تقلیدهای کورکورانه از مظاهر فریبنده ماشینی تا کاملاً ملتی وابسته به‌وجود آید.

نتیجه این سالها کوشش آن شد که جوامع اسلامی در قالبها و به‌گونه‌ای تربیت یافتند که استعمارگران سالها انتظار آن‌را

داشتند، تا آنجا که از طرفی روشنفکران به اصطلاح مسلمان از محتوای غنی و پر بار اسلام کاملاً بی‌خبر و بدبین به مظاهر دینی باشند و از دیگر سو طرفداران متعصب دینی را به این اعتقاد بکشانند که اسلام را فقط در گوشه مساجد بی‌روح و مقابر و کلبه‌های تاریک باید دید و در این میان هم عده‌ای بی‌تفاوت چشم انتظار آینده مبهم خود باشند و آنها که از بینش عمیق و درایتی برخوردار بودند اگر بانگ فریاد بر می‌آوردند بلافاصله این صداها در نطفه خفه می‌شد و یا به‌شکلی از جامعه حذف می‌گردید.

این بود گذشته تا سَف‌آور ما در طول توطئه‌های استعماری که کم‌کم این ذهنیت و باور به‌وجود آمد که دیگر اسلام توانایی رهبری را از دست داده و در روند برنامه‌های رشد و توسعه موفق نبوده که این اندیشه‌ها تا بدانجا پیش رفت که اگر تعجب نکنید بعد از انقلاب اسلامی ایران هم، یکی از کارگزاران بلندپایه دولت موقت، حسن نزیه می‌گفت:

با توجه به اینکه اسلام فاقد هرگونه قانون و دستورات اقتصادی، حقوقی و سیاسی است لذا نباید نام جمهوری اسلامی انتخاب کنیم بلکه باید صرفاً به جمهوری ایران اکتفا کنیم.<sup>۲</sup>

در حالی که بنیانگذار جمهوری اسلامی امام خمینی از سالها قبل فرموده بود:

با تبلیغات و تلقینات تلاش می‌کردند تا اسلام را کوچک و محدود کنند و وظایف فقها و علما را به کارهای جزئی منحصر گردانند. به گوش ما خوانده‌اند که فقها جز مسئله گفتن کاری ندارند، هیچ تکلیفی ندارند، بعضی هم نفهمیده باور کرده و گمراه

شدند. ندانسته‌اند که اینها نقشه است که استقلال ما را از بین ببرند.<sup>۳</sup>

و در جای دیگر می‌فرمود: اسلام تز دارد، برنامه دارد. اسلام می‌خواهد انسان را یک انسانی بسازد جامع یعنی رشد به آن‌طور که هست بدهد.<sup>۴</sup>

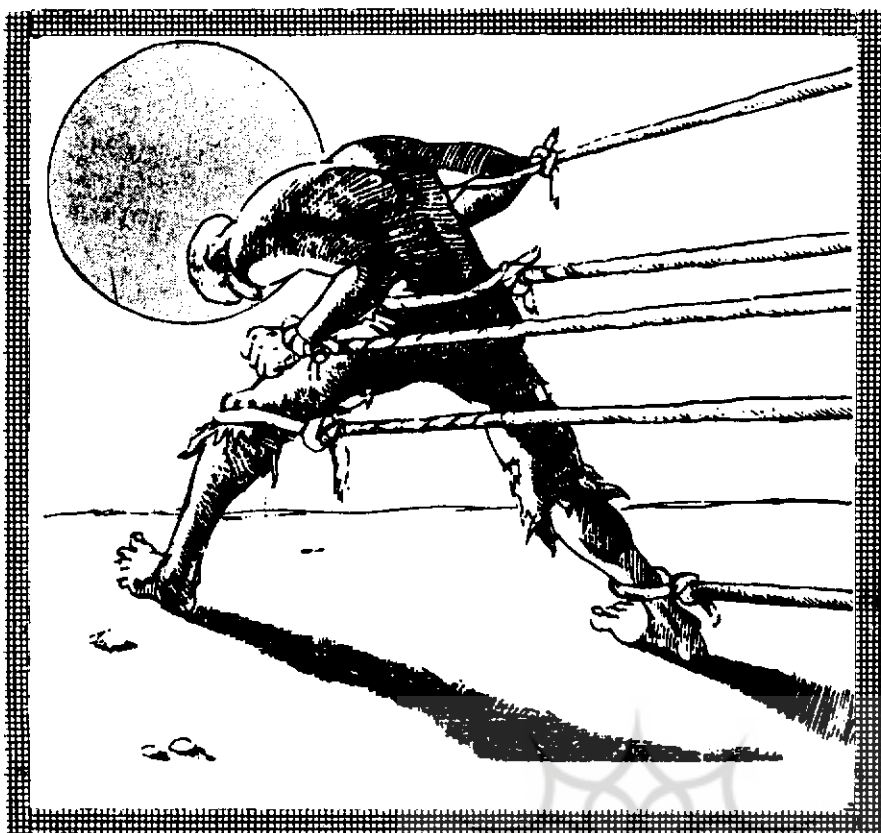
راستی چگونه آیات قرآنی در این رابطه فراموش شد (آیاتی صریح و روشن که نیاز به هیچ تأویل و تفسیری نداشت) و چگونه با داشتن این همه رهنمودها و دستورات وضعیت مسلمانان به اینجا کشیده شد.

مگر نه این است که قرآن می‌فرماید: «... ولله العزة ولرسوله وللمؤمنين...» (سوره منافقون، آیه ۷)

آیا هیچ فکر کرده‌اید مفهوم عزیز بودن یعنی چه و آیا با ذلت و وابستگی‌های همه‌جانبه به بیگانگان می‌توان عزیز بود و همیشه سخن اول را زد؟ آیا مگر بارها نخوانده‌ایم لانهنوا و لاتحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین (سوره آل عمران، آیه ۱۳۸).

با سست شدن و یا خودباختگی و جمود فکری و تن‌پروری و پای‌بندی به سنتهای غلط ارتجاعی می‌توان شاهد برتری و تفوق شد با اینکه قرآن مجید در این آیه شرط برتری و امتیاز را ایمان و باورهای دینی می‌داند.

به‌راستی آنچه که برخی از مسلمانان به آن بسنده کرده‌اند برای رشد و کمال کافی است، اینکه به زندگی بخور و نمیری اکتفا کرده و گذران بی‌حساب عمر و سرمایه انسانی، دیگر نه اندیشه‌های پویا و نه حرکتی مؤثر در سازندگی بهتر و توسعه بیشتر، بلکه خسارتی روی خسارت‌های گذشته و گذر از یک زندگی تکراری و



رسیدن به آخرین نقطه کور زیان‌دهی، نقطه‌ای که همه تلاش‌های بی‌حساب انسانی در آن هدر رفته و عجیب این است که آنها بعد از گذشت قرن‌ها هنوز هم فکر می‌کنند که نیک اندیشیده‌اند و نیک عمل کرده‌اند.<sup>۵</sup> مگر نه این است که بنا به نوشته همان غربیها، اسلام در دورانی که سراسر اروپا در تاریکی مرگبار قرون وسطایی خموش و سردرگم بود، بزرگترین مشعلداران سازندگی و تمدن را پرورش داد که تا همین اواخر استادان بی‌موجب آکادمی‌های غرب بودند و همان‌ها بودند که مفهوم توسعه را به‌معنای واقعی کلمه مطرح کردند و دنیایی را مدیون تحقیقات خود کردند.<sup>۶</sup>

و با اینکه همیشه مسلمانان از نظر مسائل سیاسی و حکومتی به‌خاطر ظهور زمامداران نالایق مشکل داشتند در کمتر از یک ربع قدرت خود را در دنیا گسترش دادند.

و مگر اسلام در همین جاهلیت عرب که از نظر اخلاق، فرهنگ و تمدن، ملتی کاملاً مرده و بی‌توان بود الگوهای تازه توسعه را مطرح ساخت و به جریان نینداخت که تاریخ شاهد پیشرفت مسلمانان در قرنهای گذشته است. آیا برای تحقق و اثبات حقانیت یک نظریه و طرح، وقوع موفقیت‌آمیز آن کافی نیست آنها نه وقوع مقطعی و خلق‌الساعه بلکه حرکت‌های پیاپی و سازنده و مفید.

اینک که عصر ارتباطات، قدرت شگرفی یافته و با بهره‌گیری از تکنولوژی پیشرفته در کمترین زمان، جوامع به تبدلات علمی می‌نشینند و عصر فراصنعتی هم جای خود را به دوران توسعه اندیشه داده است و توسعه در محافل غربی هم به‌صورت تصاعد هندسی در ابعاد مختلف بحث می‌شود و سرمایه انسانی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است جا دارد دیگر

بیش از این فرصتها را از دست ندهیم و در کنار مسائل ذهنی و کلی، به تئوریهای کاربردی در زمینه توسعه از دیدگاه اسلام بپردازیم.

ابتدا باید دید معنی توسعه چیست؟ تا براساس آن تعریف به بررسی و تحقیق بپردازیم. آنگاه باید شاخصهای مهم را در توسعه مورد مطالعه و پژوهش قرار داد و به تدریج با استفاده از کتاب و سنت و رهنمودهای عقل دیدگاههای اسلامی را دید.

### تعریف توسعه

در کتابهای اقتصاد، دانشمندان برای توسعه تعریفهای فراوانی داشته‌اند که می‌توان گفت شاید به تعداد نظریه پردازان توسعه، تعریفهای مختلف شده است با این تفاوت که بعد از انقلاب صنعتی و ظهور ماشین و توجه بیشتر به تکنولوژی و دانش فنی، تعریفها بیشتر رنگ مادی و کمی گرفته و سود حاصله از رشد اقتصاد را (ولو به قیمت از دست دادن صدها هزار نفر و سقوط مبانی اخلاقی و انسانی) به معنای توسعه دیده‌اند؛ به خصوص بعد از انقلاب اکتبر مارکسیستی که به‌طور کلی مسائل روحی و معنوی فراموش شد و انسان را نیز همچون پیچ و مهره در توسعه دیدند که فقط کار می‌کند.

طبیعی است اگر در آن شرایط به نوشته‌های دانشمندان علم اقتصاد نظر کنیم در مفهوم توسعه، بیشتر شاخصهای مادی و رشد تکنولوژی را می‌دیدند؛ لکن به‌خاطر ظهور و بروز نارساییهای فراوان روحی و جسمی، فشار سرسام‌آور ماشین بر عواطف و رفتار انسانی به‌خصوص در دنیای غرب و

از بین رفتن آرامش، متلاشی شدن کانونهای گرم خانوادگی، کشورهای به‌ظاهر توسعه‌یافته به این نتیجه رسیدند که در مفهوم توسعه اشتباه رفته‌اند و لازم است تجدید نظر شود. لذا آنچه که امروزه از تعریفهای فراوان توسعه می‌بینید بازتاب همان صحنه‌هاست که بیشتر به‌صورت همه‌جانبه مطرح شده و برای بهره‌وری بیشتر از تولید و کارآیی بهتر، در کنار مسائل مادی و تکنولوژی، به مسائل روحی، هنجارها و انگیزه‌ها، باورها و رضامندی مدیران و کارگران توجه شده تا هم در رشد سرانه و تولید ناخالص ملی تأثیرگذار باشد و هم در شکل‌گیری جامعه مدنی و ایده‌آل، موثر.

در این تعریفها، انسان به‌عنوان بزرگترین خاستگاه توسعه مطرح می‌شود و در نتیجه توسعه در این دیدگاهها، چندان قابل اندازه‌گیری نیست؛ زیرا بیشتر به مسائل کیفی توجه شده تا کمی، و به‌طور کلی آنچه که از مجموع تعریفهای بررسی شده می‌توان برداشت کرد این است که توسعه عبارت است از ایجاد یک سلسله تحولات مثبت و مداوم و فراگیر در ابعاد مختلف فکری، روحی، اقتصادی و اجتماعی در یک ملت به‌صورت کشف قوانین لازم، که در اثر به‌کارگیری آن قوانین، جامعه در همه ابعاد علمی، تکنولوژی، افزایش تولید و داشتن آرامش روحی، بر دیگر جوامع برتری داشته باشد.

روشن است که در این تعریف، توسعه به‌عنوان یک تحول ریشه‌ای مطرح شده است نه یک حرکت عاطفی و مقطعی و رفرفی.

توسعه باید فراگیر باشد نه مربوط به

● اگر در تعریف توسعه،  
بیشترین توجه را به رشد  
علمی و تکنولوژی بدهیم،  
همه می‌دانیم که خاستگاه  
تکنولوژی در توسعه اندیشه و  
فکر انسانی است، آن هم در  
محیطی آرام و با برخورد با  
یک حادثه نو ظهور (چنانچه  
در مورد نیوتن و دیگران  
همیشه چنین بوده است) باید  
دید کدام مکتب و آئینی  
است که در این مسیر همچون  
اسلام حرکت کرده است.

و نظریه‌پردازانی چون جیمز بارن هایم James Barnhaim در کتاب انقلاب مدیریت و برل Berle در کتاب قدرت بدون مالکیت برای رشد و توسعه پایدار توانمندیها و قدرت تصمیم‌گیری و هدایت و کنترل مدیران را که از اندیشه سالم نشئت

این جهان ناشناخته آشنا می‌شویم). در گفتارهای دست‌اندرکاران بحث توسعه به این نتیجه می‌رسیم که در توسعه، به مسئله تفکر و اندیشه اهمیت به‌سزایی داده شده و از اندیشه به‌عنوان مهمترین شاخصه توسعه پایدار یاد شده است.

طبقه خاصی. این رشد به‌صورت قوانین و در نتیجه یک سیستم ثابت در می‌آید که با مقتضیات زمان، کمتر تغییر خواهد داشت که در این تغییر هم رشد مسائل روحی و معنوی است و هم رشد تکنولوژی.<sup>۷</sup> اینک با توجه به تعریفهایی که از توسعه می‌شود و مهمترین شاخصهای آن، هنگامی که بخواهیم دیدگاه اسلام را در این زمینه بررسی کنیم با دریایی از عظمت و رهنمودها مواجه می‌شویم که در انتخاب هر یک دچار تحیر می‌شویم که از کجا شروع کنیم

لکن آب دریا را نتوان کشید

هم بقدر تشنگی باید چشید

اگر در تعریف توسعه، بیشترین توجه را به رشد علمی و تکنولوژی بدهیم، همه می‌دانیم که خاستگاه تکنولوژی در توسعه اندیشه و فکر انسانی است آنهم در محیطی آرام و با برخورد با یک حادثه نوظهور (چنانچه در مورد نیوتن و دیگران همیشه چنین بوده است) باید دید کدام مکتب و آیینی است که در این مسیر همچون اسلام حرکت کرده است؟

شما هر صفحه‌ای از قرآن را که می‌کشایید یا به‌صورت غیرمستقیم انسان را وادار به تفکر کرده و یا صریحاً به اندیشه داشتن دستور داده است و در این راستا بقدری اصرار دارد که در بعضی از آیات قرآنی، انسان بی‌فکر را در ردیف بدترین و خطرناکترین بهایم و حیوانات می‌داند چنانچه در سوره انفال می‌خوانیم: «ان شرّ الدّوال عندالله الصّم البکم الذین لا یعقلون» آیه ۲۱ - (که در بررسی آیات تفکر در قرآن و احادیثی که وارد شده است به‌تدریج با



گرفته مؤثر می‌دانند و بر این اعتقادند که عصر اقتصاد عضله بنیاد را پشت سر نهاده‌ایم و به اقتصاد اندیشه بنیاد رسیده‌ایم که مالکیت فکر، اندیشه و سازندگی در آن مطرح است. متفکران رشد و توسعه اقتصادی اجتماعی در ژاپن، نظیر پروفیسور هیدانوانیوها را استاد دانشگاه سویای توكیو و پروفیسور موساشی معتقدند که مدیران

الوین تافلر معتقد است که در جنگهای دنیای صنعتی دنیا دو پاره شد (انبوه مستعمرات و تمدنهای سلطه‌گر) و پس از آن به سه پاره تقسیم شد: ۱- تمدن کشاورزی و معدنی؛ ۲- تمدن صنعتی و تولیدات انبوه؛ ۳- تمدن دانایی و تمدن فراصنعتی که عصر فرهنگ و انسان‌افزایی و ... است.<sup>۸</sup>

عصر جدید باید در راستای رشد و توسعه به این فلسفه توجه خاص داشته باشند که تصفیه آب در سرچشمه به مراتب بهتر و آسانتر از تصفیه دریاست.<sup>۹</sup> اینک با توجه به عصر جدید که اندیشه را بیشترین معیار توسعه می‌دانند و در گذشته تاریخ که چرچیل نخست‌وزیر بریتانیا در جنگ بین‌الملل دوم که می‌گوید: شک نیست که امپراطورهای آینده امپراطورهای اندیشه خواهند بود به جایگاه فکر و اندیشه در نظامهای پیشرفته و توسعه یافته می‌رسیم و می‌بینیم اگر مسلمانان به این اصل بنیادین توجه داشتند و به جای تقلیدهای کورکورانه به دستورات قرآنی در مورد اندیشه و تفکر می‌اندیشیدند و به کار می‌بردند چه میدانی برای حرکت داشتند.

در اینجا بی‌مناسبت نیست در رابطه با رشد تکنولوژی در سایه تفکر و اندیشه سالم به یکی از داستانهای قرآنی اشاره کنیم که چگونه در کنار سایر ابزارهای مادی به انسان و اندیشه او توجه شده است.

داستان مربوط به حضرت ذوالقرنین نماینده و فرستاده خداست که براساس تصریحات قرآنی با امکاناتی که به او داده می‌شود شرق و غرب عالم را در می‌نوردد تا مناطق جدیدی را کشف کند و تا آنجا که در شرق به جمعی بر می‌خورد که حتی سخن آنها برای دیگران غیرمفهوم بود. جمعی دور از تمدن و تفکر، دور از ارتباطات بین‌المللی و خلاصه جمعیتی که بی‌اندازه گرفتار اقوام وحشی بنام یاجوج و ماجوج بودند. این فرستاده خدا با دیدن این وضعیت

رقت‌بار و در برابر درخواست کمک این مردم بی‌پناه تصمیم به یاری رساندن آنها در زمینه رشد و توسعه می‌گیرد، لکن با همه امکاناتی که خداوند در اختیار او گذاشته ابتدا از مردم می‌خواهد او را با تمام توان در این حرکت یاری دهند، تا استعدادهای آنان در این راستا بارور گردد و برای بهره‌برداری از معادن زیرزمین که سالها بدون تفکر در کنار آن بی‌استفاده خوابیده‌اند آماده شود.

### ● در گفتارهای دست‌اندر کاران بحث توسعه به این نتیجه می‌رسیم که در توسعه، به مسئله تفکر و اندیشه اهمیت بسزایی داده شده و اندیشه به عنوان مهمترین شاخصه توسعه پایدار یاد شده است.

ابتدا از آنان می‌خواهد قطعه‌های آهن آورده شود و بعد می‌خواهد خود آنان در آهن‌ها بدمند تا آتش تولید شود آنگاه خود به عنوان مدیر و ناظر این پروژه صنعتی دست به کار می‌شود تا با بهره‌گیری بهینه از آن امکانات خدائی و نیروی انسانی بازسازی شده انسانی، سدّی بنیادین ساخته شود؛ سدّی که نه قابل رخنه و نفوذ بوده و نه کسی توانائی سلطه بر آن را داشت. (فما استطاعوا ان یظهروا و ما استطاعوا له نقباً)

و جالب این است که در پایان انجام این تکنولوژی جدید ذوالقرنین از آن به عنوان رحمت خدا یاد می‌کند (قال: هذا رحمة من ربی) و در کنار این حرکت صنعتی، سخن از آینده جهان مادی و برپائی روز قیامت و وعده الهی می‌راند.<sup>۱۰</sup> و این تنها راهی است که در تحقق آرمانهای حیاتی در یک جامعه اسلامی لازم است پیموده شود که قرآن مجید با نقل این داستان آموزنده، در جهت سازندگی اندیشه‌ها و افکار استفاده کرده است.

حال در اینکه چه عواملی در پرورش استعدادها لازم است و چگونه یک مدیر نیرومند همانند ذوالقرنین می‌تواند به دل‌های مرده، امید داده و سرمایه‌های فراموش شده انسانی را بازسازی کند و بطور کلی سرعت زمینه‌های رشد و توسعه را در جامعه ایجاد کند مطالبی است که بایستی به تدریج در مقالات بعدی به تحلیل آن نشست. این بحث در رابطه با راه‌اندازی تفکر و استعدادها در زمینه رشد تکنولوژی بود.

ادامه دارد

## زیرنویسها

۱. اسلام و علم، سید جمال‌الدین اسدآبادی، ص ۶.
۲. ۲۵ سال حاکمیت امریکا بر ایران، صفحه ۳۲.
۳. ولایت فقیه، ص ۱۳۱.
۴. صحیفه نور، جلد ۲، ص ۱۵۵۶.
۵. برداشتی از آیات قل هل ننبئکم بالآخرین اعمالا الذین ضلّ سعیم فی الحیوة الدنیا و هم یحسبون انهم محسنون صُنعا (سوره کهف، ۱۰۳).
۶. گوستاولبون همچون بعضی از مستشرقین 'اعتراف می‌کند و می‌گوید:  
خدمتی که اعراب مسلمان بر ترقی علوم کردند تنها به همان اکتشافات علمی ایشان نبود بلکه آنها با تأسیس مدارس و تألیف کتب علمی سبب انتشار علم شدند و از این جهت حق بزرگی برگردن اروپاییان پیدا کردند (تمدن اسلام و عرب، ص ۵۴۶)  
در صفحه ۷۰۷ و ۷۰۱ می‌گوید: ما در تاریخ ملتی را سراغ نداریم که مانند اعراب و مسلمین به این اندازه تأثیر در دیگران داشته باشند و تقریباً حدود ۵ تا ۶ قرن، تنها کتاب علمی که در دانشگاه‌های اروپا تدریس می‌شد، همان کتابهایی بود که از عربی به لاتین ترجمه شده بود و در بعضی از علوم مانند طب تا به امروز هم ادامه دارد.  
ایشان در صفحات ۵۶۷ و ۵۸۷ و ۵۸۸ و ۵۹۰ مفصل بحث می‌کند و نتیجه می‌گیرد که ریاضیات به‌خصوص علم جبر، از اکتشافات مسلمانان است و اروپاییان، معلومات جبری را از محمدبن موسی که به زبان اروپایی ترجمه شده اقتباس کردند. ملتهای غربی قرونهای زیاد در علم جغرافیا، اساس را بر کتب مسلمانان می‌گذاشتند. در علم فیزیک، مکانیک و علم شیمی، نیز مسلمانان پیشقدم بودند.

بعد می‌گوید: اگر وسایل آزمایشگاهی را مسلمانان کشف نمی‌کردند لاوازیه نمی‌توانست موفق به اکتشافات شود. تمدن اسلام و عرب، ص ۵۹۰.

تو خود حدیث مفصل بخوان ازین مجمل

۷. اتفاقاً در تعریفهای زیادی که از توسعه شده است به‌شکلی به این تعریف توجه شده است مثل این تعریف: توسعه مجموعه‌ای از فعالیتها برای هدایت در جهت ایجاد شرایط مطلوب زندگی بر اساس نظام ارزشی مورد پذیرش جامعه، ... و به‌عبارت دیگر توسعه فراگردی است که شرایط زندگی نامطلوب را به زندگی مطلوب تبدیل کند. توسعه و تکنولوژی، ص ۱.

تعریف دیگر: توسعه اقتصادی ترکیبی است از تغییرات روحی و اجتماعی جمعیت و یا ملتی که در نتیجه آن یا تغییرات محصول حقیقی ناشی از اقتصاد تولید را به‌طور جمعی پیوسته و مداوم افزایش دهد. نقش سرمایه‌گذاری در توسعه اقتصادی، ص ۱۷.

توسعه در مفهوم وسیع آن یعنی بهبود کیفیت سطح زندگی در همه ابعاد آن یعنی چیزی بیشتر از افزایش درآمد، یعنی آموزش بهتر، بهبود استانداردهای بهداشتی و کاهش فقر. محیط زیست بهتر و ... توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، ص ۱۱.

چنانچه ملاحظه می‌کنید در این تعریفها، بیشتر به مسائل کیفی توجه شده است تا کمی.

۸. فصلنامه مدیریت دولتی، شماره ۳۷، صفحه ۱۵.
۹. فصلنامه مدیریت دولتی، شماره ۳۷، صفحه ۱۵.
- ۱۰ - این داستان برگرفته از آیات ۹۰ تا ۹۸ سوره کهف است که گرچه مشخص نیست ذوالقرنین یکی از پیامبران باشد اما به هر حال از جانب خدا

مأموریت دارد تا در رابطه با توسعه و رشد جوامع گامهایی بزرگ بردارد و این داستان همچون سایر قضایا به خوبی نشان می‌دهد که برنامه فرستادگان خدا و پیامبران تنها رشد فضائل اخلاقی و مسائل روحی نبوده بلکه در این راستا از آنچه که انسانها را به سعادت دنیا و آخرت و در یک کلمه به توسعه می‌رساند. حمایت می‌کنند که در تحلیل این داستان تحولات ارزنده دیگری است که فعلاً مجال ذکر آن نیست.

ذکر این نکته لازم است که ما وقتی تکنولوژی را در توسعه قبول داریم که در خدمت مردم باشد نه اینکه بلای جان آنان باشد چنانچه در این داستان قرآنی، حضرت ذوالقرنین تکنولوژی را کاملاً در خدمت مردم در راه مبارزه با ظلم قرار داده بود.

